



FATF از آنگار...



در آغازین روزهای اسفند ۹۸ خبری منتشر شد مبنی بر اینکه ایران، دوباره در لیست سیاه FATF قرار گرفت، این خبر نگرانی را برای مردم کشور و پژوهشگران مسائل بین المللی به ارمغان آورد و ما را واداشت تا مشخص کنیم که ماجرا از چه قرار است؟

FATF کوتاه شده Financial Action Task Force یا همان کارگروه ویژه اقدام مالی است که در سال ۱۹۸۹ به وسیله G۷ (آلمان، امریکا، فرانسه، انگلستان، ژاپن، ایتالیا و کانادا) تاسیس شد. هدف از تاسیس این سازمان تدوین برخی استانداردها و قوانین مبارزه با پولشویی بود که سیستم مالی بین المللی را تهدید می کرد. بعد از چند سال، مبارزه با تامین مالی تروریسم و اشاعه ابزارهای کشتار جمعی هم در دستور کار این سازمان قرار گرفت. FATF در این راستا، استاندارد هایی برای مبارزه با عوامل مذکور مشخص کرده است و از کشورهای عضو خواسته است تا آنها را اجرا کنند. این نهاد به بررسی میزان پیشرفت کشورها در اجرای این استانداردها نیز می پردازد و متناسب با میزان پایبندی کشورها به این قوانین، آنها را در سه لیست دسته بندی میکند: لیست سفید یا همان کشورهایی که به استانداردها پایبند بوده اند، لیست خاکستری یا کشورهایی که در انجام برخی از قوانین ناموفق بوده اند و در حال توسعه هستند، لیست سیاه یا همان کشورهایی که علاوه بر عدم اجرای این قوانین، خواهان پذیرفتن آنها هم نیستند. با قرار گرفتن یک کشور در لیست سیاه، FATF آن کشور را به عنوان کشور غیرهمکاری تلقی می کند که در برخی موارد باید اقدام متقابلی علیه آن صورت پذیرد، بنابراین این نهاد به کشورها توصیه میکند که در رابطه بانکی و پولی خود با آن کشور بسیار احتیاط کنند و حداالامکان رابطه خود را به صفر برسانند همچنین باید گزارش تراکنش های خود با این کشورها را به FATF ارائه کنند و معاملات خود را شفافتر از پیش انجام دهند تا مانع هرگونه پولشویی شوند. ایران از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ در لیست سیاه FATF قرار گرفت. علت این کار پولشویی گسترده در

روابط مالی اعلام شد که ما از این پولشویی به عنوان راه های دور زدن تحریمها یاد میکنیم. در واقع این لیست سیاه، ساز و کاری بود که ایران نتواند به هیچ عنوان تحریمها را دور بزند. در سال ۱۳۹۵ ایران متعهد شد که استانداردهای FATF را در کشور اجرایی کند. بنابراین در ظاهر از لیست سیاه این نهاد تعلیق شد. در حالی که در عمل FATF هیچگاه ایران را از لیست سیاه تعلیق نکرد. چون از همان بدو اعلام تعلیق ایران از لیست سیاه همچنان مهم ترین اقدام متقابل این نهاد علیه ایران، EDD (شناسایی مشتری به صورت تقویت شده شامل اقداماتی چون بدست آوردن اطلاعات شناسایی اضافی از منابع قوی تر و استفاده از اطلاعات برای آگاهی از ریسک مشتری فرد، تهیه گزارش اطلاعاتی در مورد مشتری یا مالک سودکننده برای درک بهتر ریسکی که ممکن است مشتری یا صاحب سود درگیر در فعالیتهای مجرمانه شوند، تأیید منبع وجوه یا ثروت درگیر در روابط تجاری برای اطمینان از اینکه آنها درآمد حاصل از جرم را تشکیل نمی دهند) صورت می گرفت با این حساب ایران هیچگاه از لیست سیاه FATF خارج نشده بود که حال دوباره به آن باز گردد. در تمام مدتی که ایران در لیست سیاه بود خواسته های اصلی FATF این بود که ایران کنوانسیون های پالرمو و CFT را اجرایی کند. در حالی که بر اساس منابع، از سال ۹۵ تا کنون ایران ۳۷ مورد از ۴۱ استاندارد این نهاد را در کشور به صورت رسمی اجرا می کند. اما بحث اصلی بر سر اجرا یا عدم اجرای کنوانسیون های پالرمو و CFT بوده است. بعد از اینکه برنامه های FATF توسط هیئت دولت تأیید شد. مجلس شورای اسلامی هم آن را تصویب کرد اما شورای نگهبان به دلیل مغایرت آن با قانون اساسی کشور آن را رد کرد تا موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام کشیده شود. این مجمع هم در این مورد سکوت اختیار کرد تا به نوعی مخالفت خود را با پیوستن به کنوانسیون های پالرمو و CFT اعلام کند.

یکی از دلایل مخالفت با این امر قانون کاتسا بود طبق این قانون، سپاه قدس جزو گروه های تروریستی محسوب شده و هر گونه تامین مالی این نهاد موجب تحریم می شود.

همچنین گروه های نیابتی ایران در منطقه هم تروریست محسوب می شوند و ایران باید دست از حمایت آن ها بردارد. این در حالیست که ایالات متحده آمریکا در اغلب نقاط دنیا پایگاه های نظامی دارد و گروه های نیابتی آمریکا هم خواسته های این کشور را در مناطق مورد نظر اجرا می کنند و اقدامات تروریستی گسترده ای را انجام می دهند. نمونه ای از این اقدام تروریستی ترور شهید حاج قاسم سلیمانی بود که FATF هیچ واکنشی به آن نشان نداد. از سوی دیگر اکثر رسانه های غربی خود اعلام می کنند که حدود ۷۰ درصد پولشویی جهان در اروپا و آمریکا رخ می دهد. با همه این تفاسیر وقتی اعلام شد که ایران در لیست سیاه قرار گرفته. عده ای نگران قطع شدن کامل روابط اقتصادی ایران بودند که وزیر اقتصاد و رییس بانک مرکزی اعلام کردند که قرار گرفتن ایران در لیست سیاه هیچ تاثیری روی اقتصاد ایران ندارد، زیرا بر اثر تحریم ها اغلب روابط اقتصادی ایران محدود شده است و لیست سیاه FATF به نوعی خشت بر آب زدن است. علاوه بر این ها کارشناسان اذعان میکنند پیوستن به این نهاد به ضرر ایران است. چون نمی تواند تحریمها را دور بزند و اگر ایران عضو FATF شود با بهانه گیری های احتمالی این سازمان مواجه و با شرایط جدیدی روبه رو خواهد شد که می تواند باعث تنگ تر شدن وضعیت معیشتی مردم شود با در نظر گرفتن اینکه دیگر راه دور زدن تحریم ها وجود ندارد در نتیجه ایران باید دست به انتخاب بزند و مزایای پیوستن به FATF را فدای بقای اقتصاد خویش بکند.

بازی بی پایان

بیش از ۲۰ سال است که بازی میکینیم؛ بازی با منافعمان، با دستاورد هایمان، با ذخایرمان، با توانمان، با دانشمان، با اقتدار و ...

حدوداً دو سالی بود که از توافق یکطرفه برجام میگذشت و ایران وارد مرحله بعدی زیاده خواهی ها و قدراری های طرف غربی میشد و اینبار هم با بهانه ای جدید و اسمی پر رنگ و لعاب به نام FATF، متشکل از ۳۷ کشور عضو و ناظر است و سردمدار واقعی آن، کشوری نیست جز ایالات متحده آمریکا. اعضای این گروه بین المللی جهت محکم تر نمودن قوانین موضوع و همچنین الزام آور کردن آن قوانین، دست به دامن سازمان ملل شده و طی قطع نامه هایی آن کنوانسیون ها را به رسمیت شناخته شده اعلام کردند. از اهداف و لویج این گروه می توان به مقابله با پولشویی، تامین مالی تروریسم و تامین مالی اشاعه اشاره کرد.

اما نکته تامل برانگیز این است که علی رغم اهداف تبیین شده توسط FATF، رژیم های تروریست مانند اسرائیل و عربستان سعودی نیز در آن حاضر میباشند! که این مورد نشانگر عمق فاجعه است. در هر صورت، دو سالی هست ایران درگیر پیوستن یا نپیوستن به این کنوانسیون بین المللی است.

کار کارشناسی:

مسئله فعلی کشور ما رفع تحریم های مختلف جهانی است که با توجه به این کنوانسیون، هیچ گونه شرطی مبنی بر رفع تحریم ها نبوده و صرفاً پیوستن به آن، از اعمال تحریم های جدید بانکی جلوگیری می کند، نه رفع تحریم های بانکی که سابقاً به بهانه پرونده هسته ای وضع شده بود.

برداشت دولت جمهوری اسلامی ایران از تعریف گروه های تروریستی توسط FATF، یکطرفه بوده و در تعریف آن نیز نمی توان تغییراتی صورت داد. یعنی جمهوری اسلامی ایران ملزم به پذیرش مصادیق گروه های تروریستی میشود که FATF به صورت مشخص ذکر کرده است و تغییرات یکجانبه در آن امکان پذیر نیست.

طبق اذعان رسمی کنوانسیون و شرط های الحاقی به آن بیان شده، از سازمان های رسمی و حکومتی مانند وزارت دفاع، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی قدس سپاه پاسداران، گروه های مقاومت اسلامی عراق و فلسطین و لبنان و... به عنوان سازمان های تروریستی یاد شده و ما را مکلف به قطع ارتباط کامل، مقابله و تسریع نابودی آنها و می دارد این در حالی است که این سازمان ها حکومتی بوده و در جریان مقابله با گروه های تروریستی، تنها کسانی بودند که تروریست ها را به نابودی کشاندند.

بر حسب اطلاعات فوق، می توان گفت که اقدامات اخیر این گروه مبنی بر ورود ایران به لیست سیاه، تحریک آمیز بوده و بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد اما ماجرا از آنجا شروع میشود که دشمنان ما میبینند با یک توافق بی خطری مثل برجام، می توانند صنعت هسته ای ایران را در کوتاه ترین زمان و به دست خودمان، به کلی نابود کرده و البته خودشان نیز به هیچ یک از تعهداتشان عمل نکنند!

آنها وقتی میبینند در مقابل بد عهدی هایشان هیچ عکس العملی نشان نمی دهیم، با کمال خونسردی حاج قاسم ما را

نیز ترور میکنند؛ زیرا به این نتیجه رسیده اند که دولت ایران انگیزه ای برای تلافی اقدامات ندارد! بنابراین، نابودی ایران از این آسان تر؟!

لکن مسئله اصلی رویکرد دولت تدبیر و امید در مقابله با مشکلات و امور خارجی کشور است. راه و روشی که نشان داده تا وقتی طرف مقابل ما، زیاده خواه و بد عهد است، محکوم به شکست است و صد البته با پافشاری هایی که از طرف دولت محترم دیده میشود، گویی بند ناف کار آمدی دولت و رفع مشکلات را با مذاکره و معاهده خارجی بریده اند. این مورد که باعث نادیده گرفتن توانمندی های داخلی و گره زدن همه مسائل به مذاکره شده است، خود باعث نقطه ضعف ما گشته و طرف غربی را بر آن و می دارد تا این راه را تا آخر ادامه دهد.

و حال دوباره فرصت را برای بازی مناسب دیده است، اینبار میخواهد با همان راه قبلی و تهدید و ارعاب ایران، دولت را وادار به امضاء تعهدات یکطرفه کرده، بازوهای قدرت منطقه ای و اقتدار ایران را با دستان خودمان نابود کند، سپس زیر تعهداتش زده و سر انجام مرحله جدیدی را آغاز کند.

هان ای دولت! پس تاچه زمانی قرار است از یک سوراخ دوبار نیش خورده و درس عبرت نگیری؟ تاکی میخواهیم با نگاه غلط، نا کار آمدی های خود را پوشانده و منشأ همه مشکلات کشور را خارجی تلقی کنید؟ تا چه وقتی میخواهید در زمین دشمن بازی کنید؟ بگویید تا کی میخواهید بازی بخورید؟

این همه سال خسارت، حقارت، ذلالت، نا امیدی و... را که با این روش واهی برای کشور و ملت و جوانان به ارمغان آوردید کافی نیست! به خود بیایید!

آنها ایران را نشانه کرده اند و FATF را بهانه

اعلی انصاری

اروپا؛ در دسری دیگر

قریب به دو سال است که آمریکا از برجام خارج شده و هنوز برخی از دولت مردان امیدوارند که اروپاییان بتوانند نیاز ایران را در برجام بدون آمریکا تأمین کنند. حال سؤال اینجاست که اروپاییان و به ویژه اتحادیه اروپا در این مدت چه کارهایی در راستای تأمین منافع ایران انجام داده و چقدر مایل به نجات برجام است. موضوع برجام قبل از آغاز ریاست جمهوری دونالد ترامپ و در مناظرات بین نامزدهای مختلف ریاست جمهوری آمریکا یک موضوع داغ و بحث برانگیز بود. دونالد ترامپ از همان زمان به نامناسب بودن توافق هسته ای اذعان داشت. بدین ترتیب با پیروزی وی در انتخابات، اولویت اول اروپاییان ممانعت از خروج آمریکا از برجام بود و در این راستا به مذاکره با دولت آمریکا پرداختند. مذاکراتی بی نتیجه و ناموفق که در هشتم ماه مه ۲۰۱۸ با خروج آمریکا از توافق هسته ای شکست خورد. بعد از این واقعه اروپاییان در بیانیه ای این عمل آمریکا را محکوم کرده و به پایبندی خود به توافق برجام تأکید کردند. برجام از دید اروپاییان مانعی بود بر پیشرفت هسته ای ایران و رسیدن آن به بمب هسته ای و با خروج آمریکا از آن، این مانع ممکن بود برداشته شود. همچنین اروپاییان به دلیل همسایگی با منطقه غرب آسیا، نگران بی ثباتی و ناامنی این منطقه بودند.

و از دید آن ها ایران یکی از وزنه های ثبات دهنده به این منطقه به حساب می آید این خود دلیلی دیگر بود که اروپاییان به دنبال

روابط حسنه با ایران باشند. از طرفی دیگر، وابستگی ایران به فناوری اروپاییان قابل توجه و بازار ایران برای آن ها مهم است و در صورت از بین رفتن برجام، احتمال این که ایران به کشورهای آسیایی از جمله چین و ژاپن تمایل نشان دهد، بیشتر می شود. بدین ترتیب اروپاییان رویکردهای مختلفی را در قبال برجام دنبال کردند. بعد از شکست مذاکراتشان با ترامپ بر سر ماندن در برجام، آن ها در مواردی به تقابل با آمریکا پرداختند. به عنوان مثال هنگامی که ایالات متحده آمریکا در تلاش بود تا در شورای امنیت قطعنامه ای را علیه ایران به تصویب برساند، اروپاییان به مخالفت با آن پرداختند. همچنین هنگامی که آمریکا علناً کمپانی هایی که با ایران همکاری می کردند را تهدید کرد، اروپاییان با حمایت از این شرکت ها و کمپانی ها، تلاش کردند سازوکار مالی مناسبی را برای تجارت با ایران فراهم کنند. به عبارتی دیگر اتحادیه اروپا در راستای کاهش فشار تحریم های آمریکا به ایران قدم برداشت. آمریکا بعد از خروج از برجام در راستای جلوگیری از فروش نفت ایران و ممانعت از انجام ترانکش مالی با ایران توسط شرکت های بین المللی اقداماتی را انجام داد. اروپاییان در مقابله با این سیاست های آمریکا تلاش کردند تا سازوکار مالی برای تجارت با ایران فراهم کنند و سازوکار مشهور به SPV را راه اندازی کنند. بر اساس این سازوکار، آمریکا حق ندارد قوانین داخلی خود را علیه شرکت های اروپایی تحمیل کند و این سازوکار به نوعی به شرکت ها و مؤسسات اروپایی در معامله با ایران مصونیت می داد. البته فشارهای آمریکا به اروپاییان (و یا عدم اراده کافی آن ها) مانع از به نتیجه رسیدن این سازوکار شد و اروپاییان به INSTEX روی آوردند. اینستکس به معنای ابزار پشتیبانی مبادلات تجاری در بهمن سال ۹۷ در پاریس ثبت شد. اینستکس یک شرکت تسویه مالی محسوب می شود که وظیفه تسویه حساب بین شرکت های ایرانی و اروپایی را بر عهده دارد و به آن ها اجازه می دهد که بدون انجام مرادات مالی مستقیم میان ایران و اتحادیه اروپا، تجارت کنند. از مشکلات اصلی این سازوکار تمرکز آن به مواد غذایی، محصولات کشاورزی و تجهیزات پزشکی و دارو است که از ابتدا شامل تحریم های آمریکا نمی شدند. به عبارت دیگر، تجارت های ایران در غذا و دارو نیز تحت کنترل و نظارت یک شرکت اروپایی درمی آمد. همچنین که این سازوکار به دلیل عدم پرداخت درآمد نقدی به ایران، نیازهای کشور را برآورده نمی کند. تلاش دیگر اروپاییان برای حفظ منافع خود از برجام، فشار به ایران به منظور عدم خروج از توافق بود. این سیاست به ویژه بعد از طرح کاهش گام به گام ایران از تعهدات برجامی خود مورد توجه قرار گرفت. در این راستا کشورهای اروپایی همواره از کاهش تعهدات برجامی ایران ابراز نگرانی کرده و حتی آن را محکوم کردند. اکنون نیز که ایران بعد از شهادت سردار اسلام، حاج قاسم سلیمانی از انجام بیشتر تعهدات خود سرپوشی می کند، اروپاییان در حال بررسی اجرای مکانیسم ماشه هستند که تمام تحریم های سابق ایران به حالت قبل از برجام بازگردد. در هر صورت واقعیت این است که حجم روابط اروپاییان با آمریکا بیشتر از آن است که آن ها حاضر شوند برای حفظ برجام علیه سیاست های آمریکا جبهه بگیرند و خود را در عمل در مقابل آمریکا قرار دهند. به نظر می رسد اروپاییان منتظر نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و حتی ایران هستند تا سیاست های آینده خود را در قبال توافق هسته ای ایران تعیین کنند.

محمد جعفری